

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۶	پیشگفتار
۹	درس اول: روان‌شناسی، فلسفه و اسلام
۹	درآمد
۹	۱. پیشینه روان‌شناسی
۱۰	۱-۱. نفس‌شناسی فلسفی
۱۲	۲-۱. خرد‌گرایی و تجربه‌گرایی در دوره مدرن
۱۳	۳-۱. روان‌شناسی معاصر و مکاتب آن
۱۴	۲. روان‌شناسی و فلسفه
۱۶	۳. اسلام و روان‌شناسی
۱۷	۱-۳. اسلامی به معنای بهره‌مندی از آموزه‌های اسلام
۱۹	۲-۳. اسلامی به معنای سازگاری با اصول اسلام
۲۰	۴. رویکرد وجودی در فلسفه روان‌شناسی
۲۴	پرسش‌هایی برای مرور
۲۴	پرسش‌هایی برای پژوهش
۲۵	درس دوم: جهان، انسان و نظم عالم
۲۵	درآمد
۲۵	۱. رویکرد سیستمی و ترسیم جهان به مثابه کل منتظم
۲۷	۲. اصول هستی‌شناسی صدرایی
۲۹	۳. اصول جهان‌شناسی صدرایی
۲۹	۱-۳. حرکت
۳۱	۲-۳. علل و مبادی حرکت

صفحه	عنوان
۳۳	۴. حقیقت واحد و صورت متکثر جهان
۳۶	۵. جایگاه انسان در جهان
۳۶	۱-۵ انسان کامل حلقه وصل مراتب جهان
۳۸	۲-۵ جایگاه انسان بما هو انسان
۳۹	۳-۵ انسان و عقل اول
۴۰	پرسش‌هایی برای مرور
۴۰	پرسش‌هایی برای پژوهش
۴۱	درس سوم: تغییر و حرکت در انسان
۴۱	درآمد
۴۱	۱. دیدگاه‌ها در توضیح فلسفی تغییر در انسان
۴۲	۱-۱ نظریه‌های رشد و رویکرد ماهوی
۴۳	۲-۱ چالش نگاه‌های ماهوی به تغییرات در انسان
۴۶	۲. وجود سیال انسانی
۵۱	۳. تبیین تغییرات عینی در انسان
۵۳	۴. زمانمندی و پایداری نفس متحرک انسانی
۵۶	پرسش‌هایی برای مرور
۵۷	پرسش‌هایی برای پژوهش
۵۸	درس چهارم: ماهیت رشد انسان
۵۸	درآمد
۵۸	۱. پرسش‌های بنیادین درباره ماهیت رشد
۵۹	۲. معنا و دلالت واژه رشد در قرآن کریم
۶۱	۳. تبیین فلسفی رشد
۶۴	۳-۱ رشد به معنای وقوع تدریجی حقیقت انسان
۶۶	۳-۲ حدود جسمانی به مثابه یک فرایند حیاتی
۶۷	۴. رشد و غایتمندی
۶۹	۵. رشد، تشخص و ویژگی‌های شخص انسانی
۷۲	۶. عینیت رشد با وقوع علم
۷۳	پرسش‌هایی برای مرور
۷۴	پرسش‌هایی برای پژوهش

صفحه	عنوان
۷۵	درس پنجم: الگوی رشد انسان
۷۵	درآمد
۷۵	۱. دیدگاه‌ها درباره الگوی رشد
۷۶	۱-۱ نقص الگوی خطی برای رشد
۷۷	۲-۱ وحدت مبادی و تنوع مقاصد رشد در انسان
۸۱	۲. چرخه تجسد - تجرد
۸۱	۱-۲ چرخه تجسد - تجرد به مثابه الگوی عمومی حرکت
۸۳	۲-۲ چرخه تجسد - تجرد به مثابه الگوی رشد انسان
۸۵	۳. حرکت جوهری نفس و رشد انسان
۸۹	پرسش‌هایی برای مرور
۹۰	پرسش‌هایی برای پژوهش
۹۱	درس ششم: عوامل رشد
۹۱	درآمد
۹۱	۱. علیت و رشد
۹۲	۱-۱ اصل علیت
۹۴	۲-۱ علیت اعدادی
۹۶	۲. توالی طولی عوامل رشد
۹۹	۳. حلقه‌های بازشونده و بالارونده در حیات انسانی
۱۰۳	پرسش‌هایی برای مرور
۱۰۳	پرسش‌هایی برای پژوهش
۱۰۴	درس هفتم: مراحل و چرخه‌های رشد
۱۰۴	درآمد
۱۰۴	۱. نفس انسانی
۱۰۷	۲. چرخه‌های تجرد- تجسد در بدن
۱۱۰	۳. چرخه‌های تجرد - تجسد در عقل
۱۱۳	۴. چرخه‌های تجرد - تجسد در قلب
۱۱۷	پرسش‌هایی برای مرور
۱۱۷	پرسش‌هایی برای پژوهش

صفحه	عنوان
۱۱۸	درس هشتم: ادراک و چرخه‌های رشد شناختی
۱۱۸	درآمد
۱۱۹	۱. چرخه‌های ادراک
۱۲۰	۱-۱ تصویرسازی و چرخه ادراکات حسی - خیالی
۱۲۳	۲-۱ معناپردازی در چرخه ادراکات خیالی - عقلی
۱۲۵	۲. موقعیت‌مندی و زبانمندی ادراکات کلی
۱۲۷	۱-۲ زبان به مثابه اظهار وجود
۱۲۸	۲-۲ تبیین معنا
۱۲۹	۳. خطاپذیری ادراکات
۱۳۲	۴. حضور یا توجه در ادراک
۱۳۳	۱-۴ ضرورت توجه و التفات در ادراک
۱۳۴	۲-۴ نقش علائق و نیازها در استمرار توجه
۱۳۶	۵. التفات محصول شناخت و عاطفه
۱۳۷	۱-۵ چالش سوژه‌گرایی و نسیت
۱۳۸	۲-۵ توجه انتخابی
۱۴۱	پرسش‌هایی برای مرور
۱۴۱	پرسش‌هایی برای پژوهش
۱۴۲	درس نهم: اراده و چرخه‌های رشد عملی - اخلاقی
۱۴۲	درآمد
۱۴۲	۱. افعال و گفتار
۱۴۶	۲. تقویت و تخصیص اراده
۱۵۰	۳. تغییر درجه آزادی و رشد اراده
۱۵۶	۴. اراده در مقام عقل
۱۵۶	۱-۴ ساماندهی عواطف
۱۵۷	۲-۴ اراده معطوف به تصرف
۱۶۰	۵. اراده در مقام قلب
۱۶۰	۱-۵ رفتار، باور و عاطفه در چرخه یقین
۱۶۳	۲-۵ اراده معطوف به تقرب
۱۶۶	۶. ملکات و کمالات
۱۶۸	پرسش‌هایی برای مرور
۱۶۹	پرسش‌هایی برای پژوهش

صفحه	عنوان
۱۷۰	درس دهم: نیاز و انگیزه
۱۷۰	درآمد
۱۷۰	۱. انگیزه به مثابه احساس نیاز
۱۷۵	۲. مناسبات اراده و نیاز
۱۸۰	۳. نیازهای زیستی و هویتی
۱۸۳	۴. نیازهای عقلانی
۱۸۷	۵. نیاز به تعلق و دیگر نیازهای عاطفی
۱۹۱	۶. چرخه نیاز
۱۹۴	پرسش‌هایی برای مرور
۱۹۴	پرسش‌هایی برای پژوهش
۱۹۵	درس یازدهم: چیستی استعداد
۱۹۵	درآمد
۱۹۶	۱. تحلیل فلسفی از چیستی استعداد
۱۹۷	۱-۱ استعداد به معنای توانایی
۱۹۹	۲-۱ استعداد به معنای امکان
۲۰۱	۳-۱ استعداد به معنای تعیین
۲۰۲	۲. تحقق تدریجی و رشد استعداد
۲۰۶	۳. استعداد در نفس به معنای استدعا
۲۰۹	۴. استدعای انسانی و اراده الهی
۲۱۲	پرسش‌هایی برای مرور
۲۱۳	پرسش‌هایی برای پژوهش
۲۱۴	درس دوازدهم: طبقه‌بندی استعداد انسان
۲۱۴	درآمد
۲۱۴	۱. معیارهای طبقه‌بندی استعدادها
۲۱۷	۲. طبقه‌بندی استعدادها در نسبت با حقیقت
۲۱۹	۱-۲ استعداد کشف حقیقت یا قوه فکر
۲۲۰	۲-۲ استعداد پذیرش حقیقت یا قوه ایمان
۲۲۲	۳-۲ استعداد اظهار حقیقت یا قوه تصدیق
۲۲۳	۴-۲ استعداد پایداری یا قوه صبر
۲۲۵	۵-۲ استعداد توجه یا قوه ذکر

صفحه	عنوان
۲۲۸	پرسش‌هایی برای مرور
۲۲۹	پرسش‌هایی برای پژوهش
۲۳۰	درس سیزدهم: خاستگاه و مراحل عاطفه
۲۳۰	درآمد
۲۳۰	۱. تحلیل فلسفی از چیستی عاطفه
۲۳۴	۲. عاطفه در میانه شناخت و رفتار
۲۳۷	۳. خاستگاه عاطفی رشد
۲۴۱	۴. رشد عاطفه
۲۴۲	۱-۴ پیدایش میل
۲۴۳	۲-۴ پیدایش محبت
۲۴۵	۳-۴ پیدایش ایمان از طریق تبدیل محبت به ایمان
۲۵۰	۵. ماهیت عاطفی شناخت
۲۵۳	پرسش‌هایی برای مرور
۲۵۴	پرسش‌هایی برای پژوهش
۲۵۵	درس چهاردهم: عاطفه اجتماعی و محرک‌های روانی
۲۵۵	درآمد
۲۵۵	۱. مراحل اعتبار ارزش برای اشیاء
۲۵۸	۲. نسبت ارزش‌ها و انگیزه‌ها
۲۶۱	۳. عاطفه اجتماعی
۲۶۵	۴. عاطفه اجتماعی در قرآن کریم
۲۷۰	۵. تقدم عدالت بر عاطفه
۲۷۲	پرسش‌هایی برای مرور
۲۷۳	پرسش‌هایی برای پژوهش
۲۷۴	منابع

تقدیم بہ

پیشگاہ حضرت زینب سلام اللہ علیہا

مقدمه

مسئله رشد انسان قرن‌هاست که ذهن اندیشمندان، فیلسوفان، دانشمندان، متکلمان، هنرمندان و نویسندگان را به خود مشغول کرده است. طرح اولیه و مقدماتی رشد انسان در دوره‌های مختلف و نزد متفکرین هر دوره، بر تصویرهای ایدئال درباره او متمرکز بوده و امروزه نیز از همان ایدئال‌های سنتی تأثیر می‌گیرد. دستیابی به قدرت، ثروت، علم و لذت بی‌نهایت، همچنان مهم‌ترین ارزش‌های بی‌نظیر و بی‌رقیب هستند. ایده‌های مطلوبیت چه درباره انسان تکامل یافته و چه درباره جامعه توسعه یافته بر محور همین ارزش‌های بنیادین شکل می‌گیرد. اندیشه‌های فلسفی می‌توانند روایتی نسبتاً منطقی و استدلال‌پذیر از شرایط دستیابی به مطلوبیت عرضه کنند. همین ایده‌های فیلسوفانه، متخصصان رشته‌های مختلف را ترغیب می‌کنند تا به کمک مطالعات سخت‌گیرانه و مستمر، الگوهای تغییر در انسان را کشف کنند. با کشف الگوهای تغییر، ایده‌پردازی فیلسوفانه به منظور عرضه بهترین طرح برای مطلوبیت شرایط و موقعیت انسانی و همچنین ارائه بهترین استدلال برای قضاوت درباره «مطلوبیت» آغاز می‌شود.

گمانه‌زنی درباره تغییرات مطلوب یا نامطلوب انسان، که از آن با تعبیر «اختلال» یاد می‌شود، موضوع تحقیقات دانشمندان در رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم زیستی، علوم اقتصادی، علوم مدیریتی، علوم سیاسی، علوم تربیتی و تقریباً تمامی علوم است. این نوع تحقیقات و حتی توسعه روش‌ها و فناوری‌های تحقیقاتی بر صورت‌بندی ایده‌های جذابی استوار شده که اغلب، فیلسوفان درباره «انسان مطلوب» و «موقعیت مطلوب» انسان در جهان، عرضه می‌کنند، یعنی هر تبیینی درباره رشد انسان حاصل تبادل متناوب دستاوردهای نظریه‌پردازی فیلسوفانه و مطالعات تخصصی است.

تصور عمومی درباره دانش و مهارت‌های مربوط به مطالعات تخصصی، موجب شده است سوء تفاهم تهدیدکننده‌ای در میان دانشجویان گسترش یابد که از آن می‌توان با عنوان خودتحریمی علمی یاد کرد. برخلاف پیشینیان ما و تمامی تمدن‌های فرهنگ‌دوست شرقی، پدیده تخصص‌زدگی در علم مدرن سبب شده، برنامه‌های درسی از پیش طراحی شوند و برنامه‌های مطالعاتی نیز جهت‌دار باشند. اولویت‌های دانشجویان برای مطالعه دانش به برنامه‌های

درسی از پیش تعیین شده وابسته است. فهم موضوعات بسیار جذاب دانش و درک یافته‌های علمی به جز آنچه به رشته تخصصی دانشجویان - به پیروی از دانشمندان - متعلق است، نوعی فانتزی یا امر غیرضروری تلقی می‌شود.

برنامه‌های درسی معین شده نه تنها فاصلهٔ دانش پژوهی را از دانش آموزشی کاسته، بلکه دانشگاه را به مجموعهٔ منظمی از ماشین‌های یاددهنده و یادگیرنده تبدیل کرده است. دانشگاه سیستمی فاقد روح اندیشه‌ورزی و نور نواندیشی و روشنفکری شده است. دانشگاه اگر واقعاً گاه دانش باشد، لازم است با آنچه در دانش روان‌شناسی و سایر رشته‌های دانش دربارهٔ ماهیت انسان و الگوی تغییراتش مطرح می‌شود، مواجهه‌ای عقلانی داشته باشد.

لازم است بدانیم عقلانیت خصلت مشترک انسان‌هاست که شکل‌هایی از آن به وضوح در سایر موجودات دیده می‌شود. عقلانیت همواره با صورت‌های مختلف و متناسب با الهیات و هستی‌شناسی‌های متنوع، در جوامع علمی قدیم و جدید و در میان اندیشمندان و دانشمندان مطرح شده است. علاوه بر این عقلانیت نوعی درک مستقیم و بی‌واسطه یا شهودی همگانی است که همهٔ مردم آن را در خود یافته‌اند. با این حال عقلانیت همواره بر درخواستی اساسی برای «مطلوبیت» استوار است.

هر فرد هشیار که درکی هر چند مختصر از تغییرات خویش داشته باشد به پدیده‌هایی همچون درد، سوزش، گرسنگی و تشنگی آگاهی می‌یابد و خواهان رفع این رنج‌هاست. همین رنج‌های اولیه و تغییراتی که برای بهبودی رخ می‌دهد، به خودی خود می‌تواند ایده‌ای از مطلوبیت را برای او توسعه دهد. با تغییرات پیش‌رونده هشیاری و با رشد آگاهی است که پرسش‌های اساسی دربارهٔ مطلوبیت و راه‌های دستیابی به آن پیدا می‌شود. فرد خودآگاه چه بسا از خود بپرسد: چرا انسان گاه از خود می‌گریزد و گاه مجذوب خویش است؟ آیا درک انسان خودشیفته دربارهٔ ماهیت خویش درست‌تر است یا گزارش انسان خودباخته؟ چه راهی برای درک واقعیت انسان وجود دارد؟ چرا انسان خواستار مطلوبیت است؟ دانشمندان و متخصصان کدام‌یک از رشته‌های دانش، می‌توانند پاسخی در خور برای پرسش‌های مربوط به مطلوبیت فراهم کنند؟ فیلسوفان مسلمان که از منابع فوق بشری دانش برخوردارند آیا می‌توانند این اشتیاق وصف‌ناپذیر انسان را برای تکامل تبیین کنند؟ ...؟ ...؟

هدف از تألیف کتاب حاضر توضیح این است که چه تصویری از «انسان مطلوب» و چه طرحی برای تغییر و حرکت انسان به سوی مطلوبیت را می‌توان به عنوان طرح رشد انسان پذیرفت و چرا؟ جناب آقای دکتر عاشوری که بازنویسی اثر حاضر را بر عهده داشته‌اند

همچون بسیاری از محققان فعال حوزه علوم انسانی تلاش نموده‌اند رویکرد فلسفی جدید و رو به گسترش در چهارچوب حکمت متعالیه در ایران را معرفی کنند. حکمت متعالیه عنوانی است برای صورت تکامل یافته‌ای از عقلانیت اسلامی که از چند قرن پیش تا کنون و تقریباً موازی با عقلانیت مدرن توانسته است راه اندیشیدن را برای دانشجویان و محققان باز نگه دارد. حکمت متعالیه توانسته از مرزهای خردورزی در برابر استثمار علمی و انحصارگرایی فلسفی محافظت نماید.

مطابق با این سنت عقلانی و برخلاف سنت عقلانی رایج، طرح رشد انسان بخشی از یک دانش تخصصی به نام روان‌شناسی نیست، بلکه پاسخ به پرسش‌هایی است که در فلسفه روان‌شناسی و تمام فلسفه‌های مربوط به انسان مطرح می‌شود. الگوهای تغییر در ماهیت انسان هر چند برخاسته از ایده‌پردازی‌های فلسفی و یافته‌های علمی است، ولی به طور ضمنی بر معنایی از مطلوبیت و امکان دستیابی به مطلوبیت اتکا دارد.

مطلوبیت و راه‌های مؤدی به آن می‌تواند به مثابه طرحی کلی برای «رشد انسان» تلقی شود که افزون بر تبیین مراحل و ارائه الگوی تغییر وجودی انسان، راهی برای قضاوت درباره کیفیت یا ارزش و خوبی و بدی این تغییرات پیشنهاد دهد. از این رو سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و چه بسا سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و بهداشتی تا حد قابل توجهی به همین نوع بحث‌ها درباره ماهیت رشد انسان، الگوی رشد انسان، مراحل رشد انسان، مبانی رشد انسان و مانند آن وابسته است.

توسعه دانش تخصصی و عمومی درباره رشد انسان، به طور مستقیم و فوری به توسعه علوم تربیتی کمک می‌کند و از این راه بر سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های تربیتی تأثیر می‌گذارد. طیفی از سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها بر سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی استوارند و تبیین رشد انسان در قالب برنامه‌های توسعه یا قوانین و آیین‌نامه‌های آموزشی و پژوهشی و خدماتی، می‌تواند به تأمین پیش‌فرض‌های فلسفی برای محققان و متخصصان علوم انسانی کمک نماید، همچنین می‌تواند چشم‌انداز تازه‌ای برای فهم شرایط خاص افراد و گروه‌های مختلف انسان‌ها بگشاید. قانون‌گذاران و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در تمامی نظام‌های آموزشی و البته در اغلب قلمروها به کمک چشم‌اندازی که ایده‌پردازی‌های فیلسوفانه و قصه‌پردازی‌های هنرمندانه شکل می‌دهند، مسائل اجتماعی را درک و چاره‌جویی می‌کنند، اما اغلب ایشان براساس نوعی هژمونی فرهنگی، با تصویری ماشین‌واره یا سیستمی از انسان سرگرم شده‌اند و از واقعیت انسان و ذات آزاد و حرکت بی‌وقفه او غافل مانده‌اند.

منطق مبادله که ویژگی بازار - سرمایه است و منطق اطاعت که ویژگی ادارات دولتی است بر دانشگاه، دانشجو، دانشمند و غیره سیطره می‌یابد و آن‌ها را همچون ماشین‌های طراحی و برنامه‌ریزی وارد جامعه می‌کند. ماشین مدرسه نیز حاصل طراحی‌های ماشینی و نه خردمندانه و اندیشه‌ورزانه و روشنفکرانه است. تحول خانواده ماشین‌های آموزشی در هر دو الگوی مبادله‌ای و اداری در انتظار معجزه اسطوره‌هایی است که در انیمیشن‌ها و فیلم‌های سینمایی و به پیروی از قصه‌پردازی‌های کهن بدویان به مردم تلقین می‌شود. گویا عقلانیت به کلی از سوی همه نهاد‌های مدرن از «دانشگاه» تا «سینما» به تعطیلی کشیده شده و ماشین احمق‌سازی علاوه بر بازار کالاهای فرهنگی، در اداره‌ها و سازمان‌های آموزشی و مدارس به کار افتاده است.

در نقطه مقابل آن عقلانیت اسلامی است که از تعالیم متون مقدس سرچشمه گرفته است و ضمن در آمیختن با برخی دستاوردهای فکری جوامع گوناگون، در ادبیات، تفسیر، کلام، فلسفه، فقه، عرفان، حدیث، تاریخ و هنر به طور شگفت‌انگیز و البته گاه متعارض توسعه یافته است. طی سالیان متمادی با آشکار شدن ظرفیت‌های علمی اسلام، حکمای مسلمان به ضرورت ایجاد نوعی هم‌گرایی میان شعبه‌های گوناگون دانش پی بردند. در این میان صدرالمتألهین توانست با الهام گرفتن از قرآن کریم به صورت‌بندی‌ای نظام‌مند از عقلانیت دست یابد که از آن با عنوان حکمت متعالیه یاد می‌شود. وی ضمن جذب عناصر اصلی فلسفه عرفان و کلام چهارچوبی متقن برای توسعه فهم مسائل و کشف راه‌حل‌ها فراهم ساخت و به طور باورناپذیری چالش‌های نظری مهمی در مطالعات علوم انسانی را کاهش داد. مهم‌ترین دستاورد حکمت متعالیه، امکانات زیرساختی و چهارچوب‌هایی است که برای فهم دقیق و تبیین درست تعالیم دینی از جمله توحید و عدالت عرضه کرده است. صدرا به دلیل احاطه علمی بر همه دانش‌های فلسفی، فقهی، حدیثی و آشنایی با روش‌شناسی آن‌ها، توانست میان شعبه‌های مختلف عقلانیت اسلامی هم‌گرایی برقرار کند.

با این همه نقطه شگرف گسترش حکمت متعالیه به دسته‌ای از تحولات فکری متعلق است که در یک قرن اخیر و در مواجهه عقلانی با فلسفه غرب پدید آمده است. در واقع به دنبال ساختارشکنی امام خمینی (ره) در حوزه اندیشه سیاسی که با نگارش کتاب *کشف الاسرار* شروع شد، جریان فکر اسلامی وارد مرحله جدیدی از مقاومت نظری شد. پیدایش نسلی از فیلسوفان انقلابی و هجرت استاد مطهری از حوزه به دانشگاه، پشتوانه

اندیشه‌ای ضروری برای مقاومت در برابر تهاجم فرهنگی و جریان‌سازی‌های اندیشه‌ای را تأمین کرد. برگزاری کرسی‌های درس و ترویج آموزش‌ها و پژوهش‌های معطوف به فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه در حوزه و دانشگاه پشتوانه نظری قدرتمند و تأثیرگذاری برای انقلاب فراهم ساخت. ظهور علامه طباطبائی در قرن بیستم به تنهایی یک انقلاب فلسفی است که ظرفیت حکمت متعالیه را برای مقاومت اندیشه‌ای در برابر استعمار علمی به خوبی به نمایش گذاشت. امید است با خواندن این کتاب دانشجویان و دانش‌پژوهان به این نکته مهم پی ببرند که جهان بدون انسان جهانی مطیع است و آنچه یکنواختی جهان را به چالش می‌کشد انسان است؛ با اتکا به اصول حکمت متعالیه، درک می‌کنیم که رشد انسان می‌تواند غایت جهان هستی تلقی شود و چشم‌انداز تازه‌ای برای درک و تبیین رویدادهای عالم، حتی عالم طبیعت و ماورای طبیعت عرضه کند. به واقع رشد انسان، مسئله اساسی فلسفه است که می‌تواند راهی جدید برای درک اهداف حرکت عمومی عالم و تغییرات تکاملی انسان به دست دهد؛ پس نظریه رشد انسان یکی از بخش‌های روان‌شناسی نیست بلکه فلسفه روان‌شناسی است.

جمیله علم‌الهدی

عید سعید قربان، ۸ تیر ۱۴۰۲

پیشگفتار

تبیین‌های فلسفی عمدتاً حاوی توصیف‌هایی درباره‌ی ماهیت و ساختار وجودی انسان هستند و از این حیث ابعاد وجودی و عناصر اصلی تشکیل‌دهنده‌ی آن را آشکار می‌سازند. با وجود این به نظر می‌رسد این تبیین‌ها رویکردی ایستا داشته‌اند و برشی از انسان را به نمایش گذاشته‌اند، زیرا بسیاری از این تبیین‌ها، منحصرأ به ویژگی‌های انسان مطلوب می‌پردازند و به فرایند حرکت و الگوی تغییر و تحولات وجودی و عوامل مداخله‌گر در رشد انسان کمتر توجه می‌کنند. کتاب حاضر تلاشی است برای تأمل در بنیان‌های روان‌شناسی با نگاهی پویا و غیرخطی به حیات و رشد انسانی.

تأملات بنیادین کتاب *نظریه‌ی اسلامی رشد انسان* مبتنی بر چهارچوب مبانی حکمت متعالیه است، اما در محتوا فراتر از دیدگاه‌های ملاصدرا گام برمی‌دارد و تلاش می‌کند برای فلسفه‌ی روان‌شناسی افق‌های جدیدی بگشاید. عمده‌نوآوری‌های صورت‌گرفته مبتنی بر پژوهش‌ها و آراء حکمایی مانند علامه طباطبایی و شهید مطهری درباره‌ی اعتبارهای انسانی و علیت‌اعدادی است که در کنار چهار نظریه‌ی «اصالت وجود»، «تشکیک در وجود»، «امکان فقری» و «حرکت جوهری» ملاصدرا زمینه را برای طرح الگوی «تجرد-تجسد» به عنوان الگوی عمومی حرکت و همچنین الگوی رشد انسان فراهم می‌نماید. نظریه‌ی چرخه‌های تجرد-تجسد نیز زمینه را برای فراوری از الگوی خطی به عوامل رشد فراهم کرده و الگویی مارپیچی از رشد انسان ارائه داده است.

همچنین با استفاده از مقام‌های سه‌گانه‌ی نفس انسانی و نظریه‌ی تشکیک، «موقعیت‌مندی» انسان و چرخه‌های رشد نشان داده شده است؛ انسان‌ها برای «شناخت و اصلاح موقعیت» به «کشف معنا از» و «اعتبار معنا برای» می‌پردازند. همچنین بر این اساس نشان داده شده است که «ادراکات» و «عواطف» در هم پیچیده هستند و انتزاع محتوای معرفتی از ادراکات موقعیت‌مند و زبان‌مند از توانایی‌های انسان رشدیافته است.

دیگر نوآوری تحقیق یادشده، تحلیل «نیاز»، «استعداد» و «عواطف» است که مصداق یکسان اما معانی متفاوتی دارند و این سه، ابعاد حیات انسانی و حالات روانی را مشخص

می‌کنند. در این تحلیل‌ها و براساس موقعیت‌مندی انسان، بعد اجتماعی حیات انسانی و رابطه آن با ابعاد روانی نیز آشکار می‌شود.

با توجه به نوآوری‌ها و ویژگی‌هایی که در کتاب *نظریه اسلامی رشد انسان* بود، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت) پیشنهاد بازنویسی و نشر آن را در قالب درسنامه مطرح نمود و اقداماتی نیز در این راستا از سوی پژوهشکده علم و تحول راهبردی برای تحقق این امر برداشته شد. نگارنده با توجه به آشنایی با دیدگاه‌های مؤلف محترم بازنویسی و تهیه ویراست جدید در قالب درسنامه را بر عهده گرفت.

درسنامه حاضر در چهارده درس سامان یافته است که در درس اول، چیستی روان‌شناسی و نسبت آن با فلسفه و آموزه‌های اسلامی بررسی می‌شود. در درس دوم، مبانی جهان‌شناختی و در درس سوم، مسئله تغییر و حرکت در انسان به مثابه اولین مسئله انسان‌شناسانه مطرح و در درس چهارم، ماهیت رشد بررسی می‌شود. در درس پنجم، با نقد الگوی خطی برای رشد، چرخه‌های تجسد-تجرد به عنوان الگوی عام برای حرکت مطلق و همچنین الگوی خاص برای حرکت در انسان معرفی می‌شوند. در درس ششم، موضوع علیت برای بحث عوامل رشد، مورد مذاقه قرار می‌گیرد و براساس علیت اعدادی، الگوی عاملیت در انسان مطرح می‌شود. در درس هفتم، پس از اشاره‌ای به نوشته‌ها و مفروضات نفس‌شناسی، چرخه‌های تجرد-تجسد متناظر با مقام‌های سه گانه بدن، عقل و قلب بررسی می‌شوند. در درس‌های هشتم و نهم، از ساحت‌های معرفتی و عملی انسان براساس چیستی ادراک و اراده بحث می‌شود. در این بحث، مدلی از نقش اراده در ادراک ارائه می‌شود که دچار کاستی‌های مدل تقدّم اراده بر علم و سوژه‌گرایی نیست. درس دهم، به موضوع نیاز، دروس یازده و دوازده به موضوع استعداد و دروس سیزده و چهارده به بحث عاطفه اختصاص دارد.

از تمامی بزرگوارانی که زمینه ارائه و نشر این اثر را فراهم نموده‌اند، به‌ویژه از شورای علمی و کارشناسان سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت) و پژوهشکده علم و تحول راهبردی تشکر و قدردانی می‌نمایم و از خداوند مَنان توفیق روزافزون ایشان را خواستارم. همچنین باید از همکاری مشفقانه و دقیق جناب آقای حبیب رحیم‌پور و سرکار خانم مهناز تیرائی در تدوین و تحقیق این اثر یاد کنم و همچنین از بزرگواری مؤلف محترم سرکار خانم دکتر جمیله علم‌الهدی که به اینجانب در تدوین مجدد اعتماد نمودند، قدردانی نمایم. اساتید و همکاران دیگری نیز در این امر یاری کردند که از بارگاه الهی برای آنان توفیق روزافزون و سلامتی آرزو مندم.

در خاتمه امیدواریم خوانندگان فرهیختهٔ این کتاب، با ارائهٔ نظرات ارزندهٔ خویش، ضمن کمک به تکمیل این درسنامه، ما را در ارائهٔ ویراست‌های بعدی یاری فرمایند.

مهدی عاشوری

تیر ۱۴۰۲